

بررسی اثربخشی آموزش گروهی خانواده در افزایش خلاقیت و کاهش اجتناب کارکنان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

هدی ایزد بخش^۱

^۱ کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

چکیده

هدف تحقیق حاضر، بررسی اثربخشی آموزش گروهی خانواده در افزایش خلاقیت و کاهش اجتناب کارکنان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر می باشد. پژوهش حاضر به شیوه نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون - پس آزمون باگروه کنترل اجرا شد. جامعه مورد مطالعه از بین افراد خانواده کارکنان شاغل در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر تشکیل داده‌اند. نمونه پژوهش ۴۰ نفر به شیوه تصادفی انتخاب شدند و به صورت تصادفی به دو گروه آزمایشی و کنترل تقسیم شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه سبک‌های حل مسأله لانگ و کسیدی بود. از هر دو گروه آزمون پیش آزمون و پس آزمون گرفته شد و سپس گروه‌های آزمایش در ۶ جلسه دو ساعته تحت آموزش‌های حل مسأله قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از تحلیل کواریانس مورد بررسی قرار گرفتند، نتایج پژوهش نشان داد که، بین میانگین‌های تعدیل شده نمرات سبک خلاقیت در دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس آزمون تفاوت معنا داری وجود دارد. بین میانگین‌های تعدیل شده نمرات سبک اجتناب در دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس آزمون تفاوت معنا داری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: آموزش گروهی خانواده ها، خلاقیت، سبک اجتناب، کارکنان دانشگاه، علوم پزشکی بوشهر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

امروزه به رغم ایجاد تغییرات عمیق فرهنگی و تغییر در شیوه‌های زندگی، بسیاری از افراد در رویارویی با مسایل زندگی فاقد توانایی‌های لازم و اساسی هستند و همین امر آنان را در مواجهه با مسایل و مشکلات روزمره و مقتضیات آن آسیب‌پذیر نموده و مشکلات جسمی، روان‌شناختی و اجتماعی متعددی را تجربه می‌کنند (کلینیکه، ۲۰۰۵، به نقل از محمد خانی، ۱۳۸۰). بسیاری از مشکلات بهداشتی، اختلالات روانی و مسایل عاطفی ریشه‌های روانی- اجتماعی دارند و بنابراین ارتقای مهارت‌های مقابله‌ای و حل مسأله و توانایی‌های روانی- اجتماعی در بهبود و افزایش سلامت آن‌ها مؤثر است.

نتایج بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد که حل مسأله افراد در برابر مشکلات و مسایل زندگی متفاوت است. برخی افراد هنگام مواجهه با مشکلات به جای مقابله سازگارانه، سعی می‌کنند به روش‌های مختلف مانند: کناره‌گیری، افسردگی، پناه بردن به الکل و مواد مخدر و... از رویارویی با مشکلات اجتناب می‌کنند. پژوهشگران با بررسی راهبردهای مقابله‌ای افراد موفق و ناموفق نشان داده‌اند، افرادی که به‌طور موفقیت‌آمیز با مشکلات مقابله می‌کنند و از شیوه‌های مناسب حل مسأله استفاده می‌نمایند، افرادی هستند که خود را به مجموعه‌ای از مهارت‌ها مجهز می‌کنند. این مهارت‌ها توانایی‌هایی هستند که موجب رفتارهای مثبت و سازگارانه شده و برای احساس موفقیت، توان‌مندی و شادکامی در زندگی روزمره مورد نیاز می‌باشند، بنابراین در سال‌های اخیر آموزش این قبیل مهارت‌ها برای آماده نمودن افراد برای مقابله با مشکلات و ایجاد رفتارهای مثبت و در نتیجه دستیابی به زندگی موفقیت‌آمیز توجه روان‌شناسان و دست‌اندرکاران نظام‌های آموزشی قرار گرفته است (ادیب و فردانش، ۱۳۸۲).

آنچه مسلم است اینکه انسان‌ها برای مقابله با استرس‌ها و کشمکش‌های زندگی و نهایتاً حفظ سلامت روانی خود به کارکردهایی نیاز دارند که آنان را در کسب این توانایی‌ها تجهیز نماید (کرمانی، ۱۳۸۱). به عبارت دیگر چگونگی رویارویی با مسایل زندگی و ایجاد زمینه مناسب برای رشد افراد و ظرفیت روان‌شناختی و توانایی‌های روانی- اجتماعی آنان و نیز پرورش انسان‌های متعدد به آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی، برنامه‌ریزی و الزام خاصی را می‌طلبد. اما طبق بررسی‌های به عمل آمده، توانایی‌ها و مهارت‌های عملی و سازشی بسیاری از افراد برای حل مؤثر مسایل زندگی فردی و اجتماعی براساس کسب مهارت‌هایی است که بدست می‌آورند قابل تأمل و اهمیت دارد.

حل مسأله در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ به مثابه بخشی از جنبش شناختی- رفتاری برای اصلاح رفتار آغاز شد. پایه‌گذاران این شیوه دزویلا و گلدفرید می‌باشند که طی مقاله‌ای در همایش انجمن روان‌شناسان آمریکا در سال ۱۹۶۸، بر لزوم آموزش مهارت حل مسأله در برنامه آموزش مهارت‌های اجتماعی تأکید کرده‌اند. از آن هنگام تاکنون این شیوه در طیف وسیعی از موقعیت‌های بالینی، مشاوره و روان‌درمانی به کار رفته و نتایج مثبتی از آن گزارش شده است (نزو و دزویلا، ۲۰۰۱).

حل مسأله یا مسأله‌گشایی فرآیندی است شناختی، که بوسیله آن فرد می‌کوشد راه‌حل مناسبی برای مشکل پیدا کند (پرلا و ادونل، ۲۰۰۴). در نظر بسیاری از مردم حل مسأله عالی‌ترین نمونه اندیشیدن است (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۳، ترجمه براهنی و همکاران). همچنین یکی از اهداف مهم نظام‌های تعلیم و تربیت مدرن، پرورش افرادی است که قادر باشند بر مسایل و مشکلاتشان در زندگی روزمره و در محیط اجتماعی به آنان غلبه کنند (سلوک، کالیسکان و ارول، ۲۰۰۷)، این نظام‌های آموزشی به افراد کمک ند تا دانش، مهارت و نگرش لازم برای غلبه بر مشکلاتشان را کسب کنند (آلتن، ۲۰۰۳).

منظور از مسأله در مباحث مهارت‌های زندگی عبارت از: مشکل یا امری غامض و مبهم که انسان را در زندگی دچار شرایط ناسازگارانه، توقف، رکود، عقب‌گرد و یا ضعف و درماندگی می‌کند که ممکن است جنبه فردی، خانوادگی و اجتماعی و دارای ریشه درونی یا بیرونی باشد.

با توجه به مباحث مطرح شده، سوال تحقیق حاضر این است که آیا آموزش گروهی خانواده در افزایش خلاقیت و کاهش اجتناب کارکنان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر تاثیر دارد یا خیر؟

فرضیه های تحقیق

- آموزش گروهی خانواده در افزایش خلاقیت کارکنان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر تاثیر دارد.
- آموزش گروهی خانواده در کاهش اجتناب کارکنان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر تاثیر دارد.

پیشینه تحقیق

سالاری (۱۴۰۰) تحقیقی با عنوان اثربخشی آموزش گروهی مهارت حل مسأله بر سازگاری دانش آموزان پسر پایه ششم شهر کرمان، انجام داد. یافته های پژوهش نشان داد آموزش حل مسأله موجب افزایش سازگاری کلی، عاطفی، اجتماعی و تحصیلی دانش آموزان ناسازگار شده است.

عابدینی (۱۴۰۰) تحقیقی با عنوان بررسی تاثیر یادگیری مبتنی بر حل مسأله گروهی و آموزش سنتی بر تفکر انتقادی دانشجویان پیام نور، انجام دادند. نتایج تحقیق نشان دادند که گرایش به تفکر انتقادی (مولفه های منظم و سیستماتیک بودن در پژوهش و کاوشگری و پختگی در قضاوت و داوری) در گروهی که با روش یادگیری مبتنی بر حل مسأله گروهی آموزش دیده بودند نسبت به گروهی گواه که با شیوه سنتی آموزش دیده بودند بیشتر است. اما در سایر مولفه ها تفکر انتقادی (حقیقت جویی، کنجکاوی، تحلیلی بودن، اعتماد به خود و فکر باز) تفاوتی بین دو گروه وجود ندارد.

رشیدی نژاد (۱۳۹۱) در تحقیقی که در مورد اثربخشی آموزش گروهی والدین با رویکرد خانواده درمانی ستیر بر جو عاطفی خانواده انجام داده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آموزش گروهی والدین با رویکرد خانواده درمانی ستیر بر بهبود جو عاطفی خانواده تاثیر معناداری دارد.

تودار (۱۳۹۰) در تحقیقی که در مورد مقایسه اثربخشی روش های مهارت ابزار وجود و حل مسأله بر سازگاری و پرخاشگری دانش آموزان دختر سال اول متوسطه انجام داده است به این نتیجه رسیده است که، یافته های پژوهش نشان می‌دهند که اثربخشی آموزش ابزار وجود و حل مسأله که بر سازگاری و پرخاشگری دانش آموزان مؤثر بوده اند.

پرال، دونل (۲۰۰۴) در تحقیقی به عنوان آموزش گروهی و حل مسأله برای پویایی و جهت یابی انجام گرفته که نتایج نشان می‌دهد، نمی‌توان بدون آموزش از پایه را نادیده گرفت و اکثر مشکلاتی در آینده روبرو می‌شویم بدلیل عدم آموزش گروهی و تایید آن بر مهارت حل مشکلات اجتماعی است، به ویژه در خانم‌ها این پدیده بیش تر است.

روش‌شناسی پژوهش

روش این تحقیق نیمه آزمایشی و طرح آن از نوع پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل می‌باشد. ابتدا به صورت تصادفی دو گروه آزمودنی انتخاب و به صورت تصادفی به دو گروه آزمایشی و کنترل تقسیم شده است و سپس برای هر دو گروه پیش

آزمون اجرا گردید، سپس گروه آزمایش در معرض متغییر مستقل (آموزش گروهی خانواده) قرار گرفته و گروه کنترل هیچ آموزشی دریافت نکردند که پس از اتمام آموزش مجدداً هر دو گروه در معرض پس آزمون واقع شدند. جامعه آماری این پژوهش شامل: کارکنان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر که تعداد آن ۲۶۰۰ نفر می‌باشد. نمونه تحقیق حاضر مشتمل بر ۴۰ نفر از کارکنان دانشگاه بوده که به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب و سپس به صورت تصادفی به دو گروه آزمایشی و کنترل تقسیم بندی شده‌اند. در این پژوهش جهت جمع آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌ی سبک‌های حل مسأله (مسأله‌گشایی) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی شامل: فراوانی، درصد فراوانی، میانگین، و انحراف معیار و روش‌های استنباطی شامل: تحلیل کوواریانس و ضریب همبستگی استفاده شده است و نتایج با استفاده از نرم افزار آماری SPSS-20 مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

دیاگرام طرح پژوهشی به شرح زیر می‌باشد:

جدول (۱)

انتخاب تصادفی	پیش آزمون	متغییر مستقل	پیش آزمون
R	T1	X	T2
R	T1	-	T2

یافته‌ها

فرضیه اول: آموزش گروهی خانواده در افزایش خلاقیت کارکنان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر تاثیر دارد.

جدول (۲) نتایج تحلیل کوواریانس تأثیر آموزش بر سبک خلاقیت افراد در حل مسأله

متغیرها	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	احتمال معناداری (P)
پیش آزمون	۳/۱۴۲	۱	۳/۱۴۲	۱/۲۴۲	۰/۲۷۲
عضویت گروهی	۳۰/۲	۱	۳۰/۲	۱۱/۹۳۷	*۰/۰۰۱
خطا	۹۳/۶۰۸	۳۷	۲/۵۳۰		

همان طوری که در جدول شماره دو می‌شود، پس از حذف تأثیر متغیرهای همگام بر روی متغیر وابسته و با توجه به مقدار F محاسبه شده، مشاهده می‌شود که بین میانگین‌های تعدیل شده نمرات سبک خلاقیت در دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس آزمون تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0.01$). لذا فرضیه اول تأیید گردید. به عبارت دیگر آموزش گروهی خانواده‌ها باعث افزایش خلاقیت کارکنان در حل مسأله شده است.

فرضیه دوم: آموزش گروهی خانواده در کاهش سبک اجتناب کارکنان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر تاثیر دارد.

جدول (۳) نتایج تحلیل کواریانس تأثیر آموزش بر سبک اجتناب افراد در حل مسأله

متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	احتمال معناداری (P)
پیش آزمون	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۰/۰۲۵	۰/۸۷۶
عضویت گروهی	۱۰۲/۹۰۳	۱	۱۰۲/۹۰۳	۵۱/۰۰۳	۰/۰۰۰
خطا	۷۴/۶۵	۳۷	۲/۰۱۸		

همان طوری که در جدول شماره سه مشاهده می شود، پس از حذف تأثیر متغیرهای همگام بر روی متغیر وابسته و با توجه به مقدار F محاسبه شده، مشاهده می شود که بین میانگین های تعدیل شده نمرات سبک اجتناب در دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس آزمون تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0/01$). لذا فرضیه دوم تأیید می گردد. به عبارت دیگر آموزش گروهی خانواده ها باعث کاهش سبک اجتناب افراد در حل مسأله شده است.

نتیجه گیری

فرضیه اول: آموزش گروهی خانواده ها برسبک خلاقیت آنان مؤثر است. نتایج تحلیل کواریانس تأثیر آموزش بر سبک خلاقیت افراد در حل مسأله بیان می کند که بین میانگین های تعدیل شده نمرات سبک خلاقیت در دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس آزمون تفاوت معناداری وجود دارد.

در تبیین این فرضیه می توان گفت: افرادی در خانواده و هم در اجتماع موفق تر می توانند در برابر مشکلات و مسایل عکس العمل مناسب نشان دهند که برنامه ریزی داشته و راه حل های متفاوتی را برحسب موقعیت مسأله زاپیدا کنند. و هر اندازه آموزش های لازم را دریافت کنند قطعاً توانایی مهارت رویارویی با مشکلات را خواهند داشت.

فرضیه دوم: آموزش گروهی خانواده ها بر کاهش سبک اجتناب آنان مؤثر است. نتایج تحلیل کواریانس تأثیر آموزش برسبک اجتناب افراد در حل مسأله بیان می کند که بین میانگین های تعدیل شده نمرات سبک اجتناب در دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس آزمون تفاوت معناداری وجود دارد.

در تبیین این فرضیه ها می توان بیان داشت که زمانیکه افراد به جای مقابله با مشکلات و حل آن برآیند، تصویری که از آن مسأله در ذهن خود می سازند باعث می شود که گمان کند به جای درصدد برآمدن به رد شدن از کنار آن مشکل بپردازند. سبک اجتناب یک نوع دوری از مشکل است که بیش تر به علت نداشتن آگاهی منجر به ترس از آن می شود و شخص سعی می کند از آن مسأله به جای حل کردن، فرار کند و در صورت کسب مهارت حل مسأله میزان رویارویی در برابر مشکلات افزایش می یابد.

پیشنهادها

- با توجه به اینکه بخش عمده ای از کارکردهای خانواده معطوف تربیت و تعلیم آموزش های اولیه می باشد و خود در معرض آسیب و تهدیدات خارجی و همچنین از طرفی آسیب پذیری هرکس در برابر فشارهای روانی متأثر از مهارت های مقابله ای و

حمایت‌های اجتماعی موجود در جامعه می‌باشد، شایسته است مسؤولان امر در زمینه آموزش‌ها و کسب مهارت و بهبود خانواده‌ها و علی‌الخصوص افرادی که به آموزش می‌پردازند تمهیدات و تسهیلاتی را در نظر بگیرند.

- از آنجا که در تحقیق حاضر مشخص گردید که خانواده در مقابل آسیب‌های بیش‌تری قرار می‌گیرند، انتظار می‌رود مسؤؤلان و برنامه‌ریزان در حیطه آموزش و مراقبت‌های بهداشتی نسبت به آموزش این افراد در زمینه‌های مختلف رعایت اصول بهداشت روانی-جسمی و بهبود مهارت‌ها اقدام نمایند.

- براساس تحقیقات انجام گرفته مشخص شده است که آموزش گروهی بسیاری از مشکلات بهداشتی، اختلالات روانی و مسایل عاطفی ریشه‌های روانی - اجتماعی دارند و بنابراین ارتقای مهارت‌های مقابله‌ای و حل مسأله و توانایی‌های روانی - اجتماعی در بهبود و افزایش سلامت آن‌ها مؤثر است.

منابع

۱. ادیب یوسف، فردانش هاشم، (۱۳۸۲)، مهارت‌های زندگی مورد نیاز دانش آموزان مقطع راهنمایی. دانشور رفتار. ۱۳۸۲ (ویژه مقالات علوم تربیتی (۱): ۱۳-۲۸.
۲. تودار، سید رسول، (۱۳۹۰)، «مقایسه اثربخشی روش‌های آموزش مهارت ابراز وجود و حل مسأله بر سازگاری و پرخاشگری دانش‌آموزان دختر سال اول متوسطه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته اطلاع رسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس .
۳. رشیدی نژاد و تبریزی، حدیث و مصطفی، (۱۳۹۱)، «اثربخشی آموزش گروهی والدین با رویکرد خانواده درمانی ستیز بر جو عاطفی خانواده»، مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، سال سیزدهم، شماره ۳
۴. سالاری، محسن، (۱۴۰۰)، اثربخشی آموزش گروهی مهارت حل مساله بر سازگاری دانش آموزان پسر پایه ششم شهر کرمان، همایش ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم، میناب.
۵. عابدینی، سمیه، (۱۴۰۰)، بررسی تاثیر یادگیری مبتنی بر حل مساله گروهی و آموزش سنتی بر تفکر انتقادی دانشجویان پیام نور، هشتمین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، اجتماعی و سبک زندگی.

۶. Altun, I. (2003). The perceived problem solving ability and values of student nurses and midwives. *Journal of Nurse Education Today*, 23, 575-58 .4.
۷. Perla, ,,, a n, , ' Donnel, B(2004). Encouraging problem solving in orientation and mobility. *Journal of Visual Impairment & Blindness*, 98, 47-52.